یادداشت

اجلاس وین و ضد و نقیض گویی مسئولان!

احمد زیدآبادی
روزنامه‌نگار و فعال سیاسی

اظهارات ضد و نقیض مقام‌های وزارت خارجه و رئیس سازمان انرژی اتمی درباره مذاکرات وین، سبب سردرگمی افکار عمومی شده است. در حالی که خبرها از موافقت ایران با گفت‌وگوی غیرمستقیم با آمریکا و بازگشت تدریجی و مرحله به مرحله به برجام حکایت دارد و علی اکبر صالحی نیز تلویحا آن را تأیید کرده است اما وزیر، معاون و سخنگوی وزارت خارجه، هر دوی این موارد را رد کرده و بر «موضع قطعی نظام» مبنی بر لغو کامل تحریم‌ها و راستی‌آزمایی آن پیش از هرگونه اقدام ایران در جهت اجرای تعهدات برجامی خود تأکید کرده‌اند. آیا این نوع اظهارات مغایر یکدیگر، عمدا به قصد ایجاد سردرگمی در افکار عمومی برای انحراف توجه آنها از عدول نظام از شرایط اعلام شدهٔ رسمی خود صورت می‌گیرد و یا اینکه نشان از سردرگمی نهادهای مسئول در موضوع برجام دارد! در واقع، به خلاف ظاهر اوضاع، جمهوری اسلامی از سوی چین و روسیه در کنار اروپا، تحت فشار قرار گرفته است تا با آمریکا بر سر میز مذاکره بنشیند و درباره شرایط بازگشت دو کشور به اجرای مفاد توافقنامه برجام گفت و گو کند. طبعا «نه» گفتن ایران به سه کشور اروپایی برای مذاکره با دولت بایدن و پذیرش اجرای مرحله به مرحلهٔ برجام، به دشواری نه گفتن به چین و روسیه در این مورد نیست، زیرا جمهوری اسلامی با جنجال بر سرِ سیاست نگاه به شرق یا چرخش به سمت آن، به طرزی ناشیانه و اسفبار خود را وامدار و متکی به دو قدرت اقتدارگرای عضو برجام کرده است. واقعیت این است که چین و روسیه به اندازه آمریکا و متحدانش مخالف برنامه هسته‌ای ایران هستند و هیچ نفع دراز مدت و استراتژیکی در تداوم تشنج جاریِ بین جمهوری اسلامی و دنیای غرب بر سر این موضوع برای خود نمی‌بینند. از فحوای کلام رهبران هر دو کشور کاملا روشن است که آنها سیاست نفی مذاکره ایران با آمریکا را نمی‌پسندند و اصرار ایران به لغو یکجا و کامل تحریم‌ها را بدون هرگونه مذاکره با آمریکا و پیش از اجرای تعهدات برجامی آن، واقع‌بینانه نمی‌دانند. از این رو، آنها به احتمال زیاد در پشت پرده، ایران را تحت فشار قرار داده‌اند که در مواضع خود طی اجلاس وین نرمش نشان دهد تا بلکه راهی برای احیای برجام گشوده شود. دولت روحانی قاعدتا با نشان دادن چنین نرمش‌هایی مخالف نیست، اما این را هم می‌داند که هرگونه نرمش در این مورد، نقض مواضع قطعی اعلام شده نظام است. از طرفی، دولت امکان و ظرفیت مقابله با اجماعی که عملا بین سه کشور اروپایی و روسیه و چین در مورد چگونگی احیای برجام صورت گرفته است، در خود نمی‌بیند و به همین علت به تناقض‌گویی دچار شده و افکار عمومی را سردرگم کرده است. به هر حال آنچه روشن است این است که احیای برجام بر اساس مواضع رسمی جمهوری اسلامی امکانپذیر نیست و اصرار بر این مواضع نه فقط اجلاس وین را به شکست می‌کشاند بلکه سبب نارضایتی و دلخوری عمیق چین و روسیه از ایران هم می‌شود. شاید مسئولان جمهوری اسلامی نهایتا چارهٔ کار را در این ببینند که مقام‌های وزارت خارجه عملا جواز تلویحی عدول از مواضع اعلام شدهٔ نظام را به منظور حفظ برجام و جلب رضایت دو قدرت شرقی به دست آورند اما در همان حال از سوی چهره‌ها و رسانه‌های اصولگرا به ارتکاب خیانت متهم شوند! در آن صورت، هم کار در عمل پیش رفته و هم کاسه - کوزه‌ها بر سر دستگاه دولت شکسته می‌شود! این رفتاری است که پیش از این نیز در جریان امضای برجام صورت گرفته و ظاهرا دولت روحانی و دستگاه وزارت خارجه نیز چنین نقش و کارویژه‌ای را تحت عنوان «فداکاری» برای خود پذیرفته است!

نکته

مرتضی مکی:

کنش‌گری اعضای برجام نشان از احیای آن دارد

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل در تحلیل خبر حضور آمریکا در نشست کمیسیون مشترک برجام در هفته پیش رو و همچنین تاکید رئیس سازمان انرژی اتمی بر خروج از بن‌بست برجامی اظهار داشت: گفت‌وگوهای مجازی که بین ایران و ۱+۴ در روز جمعه برگزار شد حاکی از نشانه‌هایی از توافق ضمنی میان ایران، گروه ۱+۴ و ایالات متحده مبنی بر چگونگی احیای برجام بود اما همین چگونگی نیز با اما و اگرهای زیادی روبرو است. مرتضی مکی گفت: اظهارات خیلی خوش‌بینانه دکتر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران مبنی بر اینکه مذاکرات از بن‌بست خارج شده، شاید بر این مبنا باشد که هر دو طرف همزمان گام‌هایی را برای احیای برجام بردارند؛ از سوی دیگر تحلیل خوشبینانه مقامات آمریکایی از گفت‌وگوهای روز جمعه نیز نشان می‌دهد که آنها مواضعشان و شرط و شروطی که برای احیای برجام مبنی بر اینکه «ایران باید تعهداتش را اجرایی کند» تعدیل ایجاد کرده‌اند. این کارشناس ارشد مسائل آمریکا و اروپا خاطرنشان کرد: با توجه به اینکه مذاکرات احیای برجام در دو ماه گذشته همواره با فراز، فرود؛ خوشبینی و بدبینی همراه بوده است و باز هم نمی‌توان اظهارنظر قطعی درباره اینکه برجام چگونه احیا می‌شود، داشت باید منتظر مذاکرات روز سه‌شنبه بمانیم. وی تصریح کرد: با این حال مجموع اظهارنظرهای مقامات ایرانی و آمریکایی و اعضای گروه ۱+۵ از یکسو، و همچنین از طرف دیگر سفر آقای لاوروف به ایران نشانه‌هایی از احیای برجام را نشان می‌دهد. می‌توان امیدوار بود که شاید آمریکا گام‌هایی را در جهت کاهش تحریم‌ها بردارد اما اینکه انتظار داشته باشیم آمریکا بخواهد همه تحریم‌ها را بردارد، بسیار خوش‌بینانه است. مکی در این خصوص که چه اتفاقی باعث شد که دو کشور که بر مواضع خودشان در مقابل دیگری تاکید داشتند، نظرشان را تغییر دادند، تاکید کرد: اظهارنظرهایی صورت گرفته است که به تحولات داخلی ایران بازمی‌گردد و برخی از تحلیلگران آمریکا این نظر را مطرح کرده‌اند که ایالات متحده احساس کرده است شاید با دولت فعلی بهتر بتوان هم برجام را حفظ کرد و هم از آن به عنوان ابزاری برای فشار هدفمند علیه ایران استفاده کرد. وی افزود: همچنین اظهارنظرهای دیگری نیز صورت گرفته که شاید این توافق در پی انعقاد توافق ایران و چین باشد؛ آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها حساسیت زیادی به سیاست‌های گسترش نفوذ چین در اقصی نقاط جهان به ویژه در خاورمیانه دارند و احساس کرده‌اند باید گام‌های جدی‌تری را برای احیای برجام بردارند و از این طریق ایران را در شرایطی قرار ندهند که در تور چین بیفتد.

عکس: آرمان ملی/ حجت سپهوند

فریدون مجلسی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

آمریکا از فشار به ایران نتیجه نگرفت

- مواضع ایران در تغییر رفتار اروپایی‌ها تاثیر مثبت داشت
- آمریکا فهمیده که فشار به ایران فایده‌ای ندارد
- فشار به ایران ممکن است به زیان آمریکایی‌ها تمام شود
- شرایط موجود به لحاظ ابعاد اقتصادی و سیاسی به زیان آمریکاست

آرمان ملی - حمید شجاعی: جمعه‌ای که گذشت شاهد برگزاری نشست کمیسیون مشترک برجام با حضور طرف‌های عضو در این توافق بودیم و نمایندگان همه طرفها نیز از این نشست و ادامه این نشست‌ها ابراز رضایت و استقبال کردند. این در حالی است که آمریکایی‌ها نیز از این گفت و گو ها استقبال کردند و جن ساکی سخنگوی کاخ سفید نیز با اشاره به نشست آتی کمیسیون مشترک برجام در سه‌شنبه پیش رو گفت وگوهای غیرمستقیم با ایران در وین را به طور بالقوه‌ای سازنده خوانده است. با این حال مقامات و مسئولان امر در کشورمان هرگونه مذاکره مستقیم و غیرمستقیم با آمریکا را منتفی دانسته‌اند. آنچه مسلم است تا زمانی که آمریکایی‌ها به تعهدات خود در برجام بازنگردند و تمامی تحریم‌ها را لغو نکنند این اظهار نظرها چندان در دی را دوا نخواهد کرد. همانطور که مقامات کشورمان بارها اشاره داشته‌اند راه حل احیای برجام و بازگشت آمریکا به این توافق صرفا لغو تحریم‌ها است. حال باید دید که آمریکایی‌ها چه زمانی به این درک خواهند رسید تا به تعهدات خود عمل کرده و تحریم‌ها را بردارند. در این راستا برای بررسی تحولات اخیر در نشست کمیسیون مشترک برجام، احتمال حضور آمریکایی‌ها در نشست پیش رو، لغو تحریم‌ها و تغییر موضع اروپایی‌ها نسبت به ایران «آرمان ملی» با فریدون مجلسی دیپلمات پیشین و تحلیلگر مسائل بین‌الملل به گفت و گو پرداخته است که می‌خوانید.

طرفین برجام از نشست کمیسیون مشترک برجام اظهار رضایت کرده و نشست آتی در وین را نیز سازنده توصیف کرده‌اند؛ این در حالی است که آمریکا نیز از این نشست استقبال کرده و احتمالا رابرت مالی به عنوان نماینده آمریکا در امور ایران نیز در این نشست شرکت کند؛ تحلیل شما از تاثیر این گفت و گوها بر فضای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی چگونه است؟

تمام این مباحث مطرح شده و من شخصا امیدوار هستم که ما به سمت اعتدال برویم و در این شرایط سخت بیماری کرونا که در تحرک اقتصادی کشور نیز مثل همه دنیا تاثیر گذاشته دنیا که گویی از یک جنگ جهانی در آمده و احتیاج دارد به دنبال یک آرامش و اصلاحاتی برود و خطر درگیری را هرچه کمتر کند. با کینه توزی و پرخاشجویی نه می‌شود انتظار توسعه داخلی داشت و نه می‌توان انتظار روابط بین‌المللی داشت و نه می‌توان انتظار داشت که سرمایه‌گذاران اعم از داخلی و خارجی بخواهند سرمایه خود را در معرض خطر قرار دهند. در منطقه‌ای که خودشان مرتب با شعارها از جنگ و درگیری استقبال می‌کنند یا حداقل شعارش را می‌دهند. کسانی که نه در تولید نقشی دارند و نه در آثار وخیم تورم آسیب دیدند اما در جایگاه‌های محکمی می‌توانند این شعار را بدهند. اما به هر حال مسئولان کشورها که به هر حال مسئولیتشان تامین منافع ملی و تامین آرامش و رفاه ملت است در شرایط خاص می‌توانند از آنها انتظار گذشت و فداکاری‌هایی را داشت اما تا کی و چند سال؟ این شرایط التهابی باید آرامش پیدا کند و من احساس می‌کنم که چنین درکی نزد مسئولان جهانی و از جمله در ایران نیز وجود داشته باشد. اینکه بالاخره این مشکل منطقه با جنگ حل می‌شود یا آرامش و سازگاری طرفین با یکدیگر حل می‌شود آرزوی مردم منطقه است. هر چند ممکن است دولت‌ها به دلیل برخی مسائل بخواهند جور دیگری سخن گفته و اقدام کنند اما من احساس می‌کنم که تمایل و نیاز مردم منطقه را درک کردند. در خارج از ایران نیز در روابط بین‌المللی همین وضع حکمفرماست. دنیا؛ دنیای رقابتی شده است. آن زمانی که انحصار تجارت بین‌المللی در اختیار اروپا و آمریکا بود و ژاپن و کره جنوبی هم وارد شدند و در این انحصار به آنها پیوستند سپری شده است. آن زمان از آن کشورهای بزرگ جهان چین و هند سردمدار بودند واکنون برزیل و ترکیه آمده‌اند و خود ایران نیز این توانایی را دارد که در همین مسیر قرار بگیرد. این قدرت‌ها به جای شرایط انحصاری، تحکمی و سلطه‌جویانه یک شرایط رقابتی ایجاد کردند و خودشان هم باید از آن دید سلطه‌جویانه پرهیز کنند. برای اینکه هیچ کشوری از اینکه نسبت به او برخورد سلطه گرانه‌ای شود خودسر و راضی نخواهد بود.

برخی معتقدند با برخی اقداماتی که بایدن از ابتدای حضورش در کاخ سفید انجام داده نگاهش به ایران و منطقه نسبت به قبل از خودش تغییر کرده است؛ چه میزان با این گزاره موافقید؟

من فکر می‌کنم آمریکایی‌ها در یک بازنگری دیگری نیز هستند و آن اینکه مبارزه برای به زانو درآوردن جمهوری اسلامی ولو اینکه مردم به زانو در بیایند فایده ندارد، اما این حرکت به سرانجامی نخواهد رسید چون ایران کشور خیلی بزرگی است و با کوبا و کره شمالی قابل مقایسه نیست. ایران سرزمین وسیعی با امکانات مختلف است که در درون خودش می‌تواند زنده مانده و ادامه دهد اما این کافی و در شأن مردم نیست. از طرفی آنها می‌بینند که با فشار به ایران یا در اختیار قرار دادن انحصار بازار نفت و انرژی به نفع اعراب خودشان را در معرض یک انحصار جدیدی می‌گذارند که در شرایط بحرانی ممکن است به زیان آنها تمام شود. ممکن است این امکانات به صورت ناگهانی در اختیار نیروهای رقیب قرار گیرد یا اینکه بازار به تدریج در اختیار کسان دیگری قرار گیرد که می‌توانند نیازهای ایران را تامین کنند ولی برای ایران انحصار تامین نیازها در رابطه با یک کشور زیان بخش است. چه در خرید که باید گران بخرند و چه در فروش که باید ارزان بفروشند و استقلال واقعی تجارتی خودشان تضعیف شود، البته ممکن است که آمریکایی‌ها نیز به تدریج این بازارها را از دست بدهند. یا به تدریج ارزهای دیگری غیر از دلار وسیله مبادله قرار گیرد که به هر حال خواهد گرفت ولی ممکن است این کار با سرعت بیشتری صورت پذیرد. آن زمان دیگر کنترل تجارت خارجی از طریق اتاق پایاپای نیویورک هم امکان‌پذیر نخواهد بود. در نظارت بر امور بانک‌ها که آیا تحریم‌های آمریکا را اعمال می‌کنند یا نه به راحتی امکان پذیر نخواهد بود و آنها نیز منافع بیشتری را از دست می‌دهند. از این جهت است که کشورها باید بنشینند و با هم مذاکره کنند و طرف‌هایی که در پی براندازی دیگران هستند ضمن حفظ برخی از اصول در رویکرد خود تجدیدنظر کنند و اجازه دهند کشورهای منطقه آنهایی که درگیر هستند خودشان تصمیم بگیرند. ایران نیز اخلاقا و به صورت حقوقی در منطقه است و با اعراب تاریخ مشترک دارد و باید با کشورهای همسایه خود در یک همزیستی مسالمت آمیز قرار گیرد. به هر حال شرایطی که امروز وجود دارد و اینکه رئیس سازمان انرژی اتمی ایران که در مذاکرات حضور داشته سخنان امیدوارکننده‌تری را نسبت به مذاکرات وین ابراز داشته اما معاون وزارت خارجه که او هم در مذاکرات شرکت داشته بار دیگر از عدم تمایل و آمادگی ایران برای مذاکره در همین زمان سخن گفته است. این اظهارنظر ناامید کننده است برای اینکه نشان می‌دهد که راه حل مسالمت آمیز را از یک جناح و یک نهاد رد می‌کنند اما به نظر می‌آید در نهاد دیگری از این قضیه استقبال می‌کنند. موضوع این نیست که ابتدا ما باید به تعهداتمان بازگردیم یا آمریکا. آن طرفی که آسیب و زیان می‌بیند مردم ایران هستند. دلار قیمت آن طی این مدت به ۳۰ هزار تومان رسیده و آثار تورم فزاینده به مردم ایران می‌رسد که باید سطح زندگی‌شان از مردم امارات، عربستان کویت و... بیشتر می‌بود نه اینکه به گذران و زنده ماندن خود راضی باشند. به هر حال این موضوعات است که باید در مورد آن تصمیم‌گیری شود که آیا مذاکره شود یا کلا به عدم مذاکره ادامه دهیم. شرایط نه جنگ و نه صلح قابل دوام نیست. در شرایط موجود نیز از ابعاد و دید اقتصادی و سیاسی به زیان آمریکا هم است.

پس از روی کار آمدن بایدن در آمریکا شاهد تغییر موضوع از سوی اروپایی‌ها نسبت به ایران بودیم؛ چنانکه آنها در زمان ترامپ با تکیه بر قطعنامه ۲۲۳۱ همراستا با ایران در مقابل ترامپ قرار می‌گرفتند؛ اما اکنون شرایط تفاوت کرده؛ اساسا این تغییر موضع و رویکرد از سوی اروپایی‌ها از چه جهت است؟

باید دید تغییر موضع ایران چقدر در تغییر موضع اروپایی‌ها تاثیر داشته است. اولا کشورهای غیر اروپایی و آمریکایی باید همیشه توجه داشته باشند که آمریکا یک کشور اروپایی جدا مانده در آن‌سوی آبها است. جامعه‌ای اروپایی با درصد بیشتری از مهاجران مختلفی که از جاهای دیگر رفتند اما جامعه اصلی آمریکا همان جامعه اروپایی است که به هم پیوند دارند و در دو جنگ جهانی اول و دوم هم نشان دادند که چگونه در زمانی آمریکا به کمک اروپا آمد و آنها را نجات داد. در خصوص مسائل پیرامون برجام نیز باید توجه داشت که اروپا متحد ترامپ نیست؛ بلکه اروپا متحد وحامی کلیت آمریکا بوده است. آن چیزی که باعث می‌شد اروپا در برابر آمریکا موضع بگیرد در واقع موضع‌گیری در برابر سیاست‌های ناپخته و فاشیستی ترامپ بود که برای اروپا خاطرات تلخی را زنده می‌کرد. دیدیم که در رای گیری در مجمع عمومی و شورای امنیت هم به تک روی واشنگتن رای ندادند. اما علت رفتار کنونی اروپایی‌ها این است که با پیش بینی آمدن بایدن طرف ایرانی که فکر می‌کرد آمریکا و اروپا از موضع ضعف وارد خواهند شد دو اقدام با شتاب انجام داد که بتواند بایدن را در بدو ورود در برابر کار انجام شده‌ای قرار دهد. یکی افزایش ناگهانی غنی‌سازی به ۲۰ درصد و دیگر اعلام رهایی ایران از قید مقاوله نامه‌ها و پروتکل‌های مربوط به NPT که در قالب برجام الزام آور بود. البته مسائل فرعی دیگری از نظر عدم همکاری در پروتکل‌های FATF که به هر حال معاملات بانکی خارجی را محدود یا ممنوع می‌کند نیز هست. بنابر این وقتی که این دو موضوع آن هم با مدت دو ماهه‌ای که مقارن با روی کار آمدن بایدن بود مطرح گردید باعث شد که اولا بایدن تا پایان آن دو ماه هیچ اقدامی انجام ندهد. برای اینکه نظرشان به عنوان یک قدرت بزرگ این بود که شما بروید به تهدیدتان هرچه هست عمل کنید. دیدیم که در این مورد بعد از دو ماه تازه آمریکایی‌ها اعلام کردند که شما از اقدامات شتابان و تغییر شرایط زمانی که بایدن اعلام کرده بود با بازگشت به برجام وارد یک مرحله جدید و مسالمت‌آمیزی خواهم شد دست بردارید. لذا اکنون وقت آن است که با نیازی که آمریکا و اروپا به صلح جهانی و بیرون آمدن خودشان از بحران اقتصادی کرونا دارند مانند شرایط پس از جنگ در این طرف هم امیدوار باشند که مساله اصلی که مساله دیدگاه جمهوری اسلامی نسبت به رژیم صهیونیستی است به نوعی اصلاح شود که نه جمهوری اسلامی از مواضع حیثیتی خود جدا شود و هم تهدیدها برطرف شده باشد. لذا من این اعلام بایدن را که اشغال ساحل غربی رود اردن را بر نمی‌تابد نشانه مهمی از قدم آمریکا در نزدیک شدن آمریکا به قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل می‌دانم که موجودیت دولت فلسطین را با پایتختی قدس شرقی به رسمیت شناخته و فکر می‌کنم ایران نیز برای صلح و امنیت بین‌المللی از خواسته اعراب در مورد رفع تظلمات رفته به مردم فلسطین و خواسته جمعی آنها حمایت کند. البته این حمایت بهتر است در قالب قطعنامه‌های شورای امنیت باشد نه علیه قطعنامه‌ها که ایران را در موضع ضعف و در طرفیت با جامعه جهانی قرار دهد.

اخیرا سخنگوی کاخ سفید گفت و گوهای غیرمستقیم با ایران را سازنده خوانده است؛ در حالی که مقامات کشورمان هرگونه گفت و گوی رسمی و غیر رسمی با آمریکا را تکذیب کرده‌اند؛ اساسا این نوع رفتارها از سوی طرف آمریکایی بر چه اساسی است؟

دیدار غیر رسمی در شرایطی که به خصوص در ایران ما شاهد بودیم که اگر بدون مجوز باشد می‌تواند آثار و تبعاتی را برای کسانی که بخواهند در این امور وارد شوند به بار بیاورد. بنابراین دیدارهای غیر رسمی که مدنظر آنها است را می‌توان دیدارهای رسمی اعلام نشده دانست که می‌تواند موثر باشد. البته شاید این نوع اظهارات بیشتر مصرف داخلی داشته باشد.

امروز آمریکایی‌ها مطرح می‌کنند که برجام باید مورد مذاکره مجدد قرار گیرد؛ حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا اگر دولت اوباما با پیروزی هیلاری کلینتون ادامه می‌یافت و تغییری در برجام حاصل نمی‌شد باز هم آنها خواهان مذاکره مجدد بودند؟

به نظر من به آمریکایی‌ها برمی‌گشتند و خواهان اصلاح بودند. دلیلش نیز این است که با اینکه در متن برجام کلمه‌ای در این خصوص نوشته نشده اما از نظر آمریکایی‌ها موجودیت برجام برای حمایت از موجودیت رژیم صهیونیستی تنظیم شد. تحریم‌های ایران به خاطر به مخاطره انداختن موجودیت این رژیم بود و اروپا، آمریکا، روسیه و چین در این مورد به خصوص اتفاق نظر داشتند که موجب تصویب آن شش قطعنامه شدند. یعنی لااقل از دید آنها برخی از اقداماتی که در ایران صورت گرفت و پنهان از تعهداتش در NPT بود و آثاری که گفتند در لویزان دیده شده و اقداماتی که در نطنز و نیروگاه اراک بود همه این ظن را به وجود می‌آورد که ایران درصدد دستیابی به بمب هسته‌ای است و علت برخورد شدید با ایران نیز این بود که سیاست اعلام شده و استراتژیک ایران مبنی بر نابودی رژیم صهیونیستی از صحنه روزگار مساله شناخته شده ای بود و نیازی ندیده بودند که در برجام اسمی از آن بیاورند. تصورشان این بود که با خودداری ایران از تولید سلاح هسته‌ای که موانع برجامی بر سر راهَ آن بود مساله تهدید موجودیت رژیم صهیونیستی از بین رفته باشد. اما برخی اتفاقات باعث شد که نگاه آنها نسبت به این مساله از بین نرود. لذا این مساله در زمان خود اوباما پیش آمد که دستور لغو همکاری‌های اقتصادی صادر شد. از طرفی ایران نیز با ممنوعیت تجارت با آمریکا نوعی تحریم را آغاز کرد. در زمان اوباما بود که تحریم‌های جدیدی برقرار شد و شرکت‌های اروپایی یا نیمه اروپایی از ایران خارج شدند. ایرباس و بوئینگ قراردادهای خود را ملغی کردند و هر کدام فروش صد نفر بوئینگ آمریکایی و ایرباس نیمه‌آمریکایی و نیمه اروپایی را کنار گذاشتند و شرکت‌هایی مثل توتال نیز از ایران رفتند. همه اینها در زمان ترامپ اتفاق نیفتاد بلکه در زمان اوباما رخ داد. با روی کار آمدن خانم کلینتون هم ممکن بود نه به روش اوباما بلکه به روش‌های دیگری که همیشه هم از طرف دموکرات‌ها اعمال شده است سخت گیری‌هایی انجام می‌پذیرفت.

سخنگوی سپاه: هر کس می‌گوید تخلف بوده باید دقیق بگوید چه تخلفی!

تداوم حواشی یک کاندیدای نظامی!

ادامه از صفحه ۳ / موضع رسمی سپاه این است که سپاه از هیچ کاندیدایی حمایت نکند و باز تاکید می کنم هرکس هم مسئول حرف خودش است.

با این صحبت آیا سعید محمد برکنار شده یا استعفا داده است؟

من راجع به اشخاص ابدا صحبت نمی کنم. برداشت آقای جوانی این بوده که به دلیل تخلفات انتخاباتی ایشان کنار گذاشته شده و برداشت ایشان محترم هم هست ولی برداشت من ممکن است متفاوت باشد.

آیا چنین موضع گیری‌هایی در سپاه نباید قبلا با سخنگو هماهنگ شود؟

الزامی وجود ندارد. عرف جاری است و در سازمان‌های دیگر هم اینطور نیست که حتما سخنگو موضع گیری کند. آدم‌هایی که در حوزه کاری خود مسئولیت دارند حرف می‌زنند و مسئولیت حرف‌هایشان هم به عهده خودشان است.

ولی اغلب این موضع گیری‌ها به اسم ارگان نوشته می‌شود.

وقتی سخنگو چیزی را اعلام کند به اسم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ثبت می‌شود، ولی اگر یک معاون موضع گیری کند الزاما موضع سپاه نیست.

آیا واقعیت این نیست که در اذهان عمومی و رسانه‌ها، موضع گیری یک مقام در سطح معاونت سپاه به اسم سپاه منتشر می‌شود؟ شما در چنین شرایطی نباید موضع گیری رسمی نهاد را اعلام کنید؟

شاید مجموعه حرف‌وحدیث‌های پیرامون این موضوع را بررسی کنیم و موضع گیری هم انجام دهیم. نمی‌گویم موضع‌گیری نمی‌کنیم. داریم بررسی می‌کنیم ببینیم چه هست و ماجرا چه بوده است؛ چون این موارد ممکن است به خبرگزاری و خبرنگار برگردد و گوینده حرف هم بگوید من منظورم این بود یا آن را گفتم. من هنوز بررسی نکردم. شاید نیاز باشد موضع‌گیری کنیم.

نظر شما درمورد شایعه اختلاف میان سردار سلامی و سردار جوانی چیست؟

اصلا این بحث‌های شخصی در سپاه مطرح نیست. اینکه افراد با هم اختلاف دیدگاه داشته باشند، دست‌کم من چنین قرائنی ندیدم.

*گفته می‌شود این اختلاف‌ها در سطوح عالی سپاه به گزارش سعید محمد علیه سردار عیسی شریفی معاون سردار قالیباف ارتباط دارد؟

این‌ها گمانه‌زنی‌های مختلف است. خود شما شاهد بودید در مورد همین مساله (اظهارنظر یدا... جوانی درباره تخلفات سعید محمد) کامنت‌هایی وجود دارد که می‌گویند اگر ایشان تخلف کرده چرا فرمانده کل او را مشاور خود کرده است؟ حکم مشاوره سعید محمد رسمی است؛ اعلام هم شده و درست هم هست. از این حرف و حدیث‌ها زیاد است و هر کس حرف خودش را می‌زند.

یعنی می‌گویید تخلفی از سوی محمد صورت نگرفته است؟

نه، ما می‌گوییم هر کس می‌گوید تخلف بوده باید متقن و دقیق بگوید چه تخلفی بوده است. برداشت یک معاون سپاه این بوده که تخلف صورت گرفته، اما نظر رسمی سپاه ممکن است این نباشد. شاید برداشت آقای جوانی این بوده؛ ممکن هم هست آقای جوانی اصل حرفش را تکذیب کند.

فرارو

رحمان قهرمان‌پور مطرح کرد:

تفاهم ایران و چین تکرار تاریخ نیست

یک تحلیلگر مسائل بین‌الملل درباره تصمیم ایران و چین برای تفاهم بر سر یک نقشه راه ۲۵ ساله گفت: در کل به این تفاهم نگاه مثبت دارم و معتقدم این کار باید زودتر از اینها انجام می‌شد اما چند نکته این تفاهم و حواشی پیرامون آن را پیچیده می‌کند. اول اینکه بسیاری از مردم در سطوح مختلف نگاه تاریخی به روابط خارجی دارند و فکر می‌کنند که تاریخ ممکن است تکرار شود. رحمان قهرمان‌پور اظهار داشت: طیف‌هایی که علیه چین و روسیه همواره عملیات روانی انجام می‌دهند با تکیه به این نگرانی‌های تاریخی ایرانی‌ها هست که سعی بر تخریب این روابط و تعاملات دارند و سعی می‌کنند ترس از قدرت‌های خارجی را پررنگ نگه دارند. البته این مساله تنها به ایران منحصر نیست بلکه کشورهایی از جمله ترکیه و مصر و دیگر کشورها نوعی هراس از ورود قدرت‌های بزرگ دارند. وی افزود: موضوع چین هم به زعم برخی‌ها تکرار همین ترس است؛ بحث اینکه چین بر امور داخلی ایران مسلط می‌شود یا اینکه برخی می‌گویند خاک ایران را قرار است به فروش بگذارند و مسایلی دیگر. اینها به بدبینی تاریخی ما نسبت به قدرت‌های خارجی برمی‌گردد و مخالفان در خارج بر روی این مساله مانور می‌دهند. این کارشناس مسائل بین‌الملل تصریح کرد: اما این توافق بیشتر از اینکه در چارچوب نوع رابطه ما با قدرت‌های بزرگ قابل فهم باشد، بر بستر تحولات بین‌المللی جدید استوار است. مساله ظهور چین به عنوان قدرت بزرگ اقتصادی و سیاسی و امنیتی مطرح است و اینکه این مساله روابط بین‌الملل را در آینده نزدیک و دور تحت تاثیر قرار می‌دهد. خیلی از کشورها سعی می‌کنند از این شرایط استفاده کنند. علاوه بر ایران مصر، عربستان، امارات و کشورهایی دیگر در سطح منطقه و دنیا قراردادهایی مشابه داشتند اما هر کدام به شیوه خاص چین و آن کشور منعقد شده است. قهرمان‌پور بیان کرد: نگرانی‌هایی درباره این قراردادها از جمله درباره آنچه با بنگلادش اتفاق افتاد مطرح است. چین با بنگلادش بر اساس استراتژی وام و بدهکاری پیش رفت و بعد از اینکه بنگلادش نتوانست وام خود را پرداخت کند اعلام کرد که فلان بندر را در ازای بدهکاری به او بدهد. اما نباید این گونه تصور شود که چین با همه کشورها یک جور رفتار می‌کند. توان اقتصادی کشور طرف قرارداد بسیار مهم است و نوع قرارداد و تعاملی که میان آنها برقرار می‌شود. ایران نیاز به دریافت وام‌های کلان از چین ندارد. دغدغه ایران این است که بتواند یک فروش تضمینی نفت با چین داشته باشد به شکلی که مطمئن شود اگر آمریکا در چارچوب تحریم‌ها فشار آورد باز هم بتواند نفت خود را به میزان قابل توجهی به فروش برساند و این پیامی است به آمریکا و سیاست‌های تحریمی او. وی ادامه داد: ایران مثل هر کشور دیگری باید با چین و در چارچوب تغییر موازنه قدرت وارد تعامل شود. همین‌ها که امروز منتقد توافق و تعامل بلندمدت با چین هستند ده سال بعد که چین قدرت اول اقتصادی و سیاسی و امنیتی جهان شد انتقاد می‌کنند که چرا ایران زودتر از اینها وارد تعامل با چین نشد. این کارشناس مسائل بین‌الملل درباره نگرانی‌ها از نوع برخورد و رفتار چین در تعاملات اقتصادی و سیاسی با کشور خاطرنشان کرد: باید بپذیریم که نظام بین‌الملل چینی‌ها مثل آمریکایی‌ها دست و دلباز نیستند. آنها مثل آمریکایی‌ها دنبال دولت ـ ملت‌سازی نیستند و در صرف هزینه خست به خرج می‌دهند اما واقعیت این است که اینها دست ما نیست و نباید انتظار داشت حالا که چین با ما برای بلندمدت تفاهم همکاری امضا کرده است درباره ایران دست و دلباز برخورد کند. قهرمان‌پور درباره اصرارها برای انتشار جزئیات این تفاهم تصریح کرد: علنی کردن موضوعات مخصوصا مسائل مربوط به امنیت ملی از موضوعات بحث برانگیز در بحث دموکراسی‌هاست چون در دموکراسی اساس و پایه همه چیز مردم است و آنها باید از همه‌چیز مطلع باشند اما در مقابل دیدگاهی است که می‌گوید برخی جاها استثناهایی است که مشروعیت دارید یک قرارداد یا تفاهم خاصی را علنی نکنید از جمله در مسائل مربوط به موضوعات امنیت ملی. یعنی اگر علنی کردن یک قرارداد از فرصت سیاسی، اقتصادی، تجاری و نظامی شما را محروم می‌کند، مخفیانه نگه داشتن آن خلاف اصول دموکراسی نیست. انگلیس و آلمان از جمله کشورهای دموکراتیک هستند که برخی از اسناد مربوط به حوزه امنیت ملی خود را منتشر نمی‌کنند و حتی برخی شرکت‌های تجاری در این مساله اهتمام دارند.

دریچه

داریوش قنبری:

مجلس به ستادی انتخاباتی تبدیل شده است

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب، درباره مشکلات کشور در قرنی که گذشت، گفت: یکی از مشکلاتی که در کشور ما وجود دارد و در سالی که گذشت با شدت بیشتری خود را نشان داد اختلافات بین دو قوه مقننه و مجریه است. با توجه به انتخابات سال ۹۸ و مشارکت حداقلی مردم در انتخابات، مجلس جدیدی که شکل گرفت همسو با دولت نبود و از جنبه‌های مختلفی تفکر و اندیشه مجلس در تقابل با دولت بود و چالش‌های فراوانی برای دولت ایجاد شد. داریوش قنبری افزود: در مدت کمی رهبری چند بار به مجلس تذکر دادند و از لحاظ تذکراتی که مجلس گرفته می‌توان گفت مجلسی استثنایی بود. نقش رهبری در تنظیم روابط بین قوا اهمیت دارد و چند بار رهبری برای اصلاح این روابط ورود کردند این یکی از مشکلات کشور در سال گذشته بود و این تقابل در مسائل مهم کشور از جمله مسائل هسته‌ای و دادن پالس‌های گوناگون به طرف‌های مقابل خود را نشان داد که این می‌تواند، خطرآفرین باشد. رهبری نیز بر این نکته تاکید و گفتند در خصوص مسائل هسته‌ای نباید پالس‌های متفاوتی به خارج از کشور ارسال شود و چند دستگی در داخل کشور را نشان دهد. وی تاکید کرد: تا مجلس و دولت کنونی هستند این مشکلات به نظر قابل حل نیست. مجلس به ستادی انتخاباتی تبدیل شده است و بیش از آنکه به وظایف نمایندگی خود بپردازند فتح پاستور را هدف قرار داده‌اند. مشکلی که مجلس برای فتح پاستور دارد نداشتن پشتوانه مردمی است چون همین مجلس در کل با مشارکتی ۴۰ درصد ایجاد شده و نمایندگان با اکثریت ۲۰ درصد وارد مجلس می‌شوند و اگر فردی ۲۰ درصد آرا داشته باشد، وارد مجلس می‌شود. از این رو مجلسی‌ها فضای ایجاد یاس را در پیش گرفته‌اند تا فضای یاس ایجاد کنند و با مشارکت حداقلی وارد پاستور شوند و در دولت آینده همفکران خود را داشته باشند.